



دمی با «محمد، رسول خدا» (ص)

نوشته خانم دانشمند آته‌ماری شیمل

ابراهیم زاده گرچی

محمد، رسول خدا
نویسنده: آته‌ماری شیمل
مترجم: حسن لاهوتی
چاپ دوم: تابستان ۱۳۸۴
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
تعداد صفحه‌ها: سی و نه + ۵۵۱

«در مقاله راجع به (درباره) پیمبرشناسی ابن عربی، آرتور جفری، نوشته است: سال‌ها پیش مرحوم شیخ مصطفی المراغی، ضمن دیدار دوستش، اسقف کلیسای انگلستان در مصر، خاطر نشان کرد که متداول‌ترین علت رنجشی که مسیحیان، بیشتر نابخردانه، در دل مسلمانان نشانده‌اند، از آن برمی‌خیزد که مسیحیان مطلقاً ناتوانند از درک حرمت بسیار والایی که مسلمانان برای شخص پیامبر خود قائلند» (محمد رسول خدا، ۲)

و بلافاصله پس از این نقل قول، شیمل می‌نویسد: «این اظهار نظر از آن عالم دینی مسلمان، تیری است راست بر هدف. استنباط نادرست از نقش پیمبر (ص) یکی از بزرگترین موانع مسیحیان بوده و هست که نگذاشته است تفسیر مسلمانان از تاریخ و فرهنگ اسلامی را درک کنند، زیرا بیش از هر شخصیت دیگری در تاریخ، محمد (ص) بود که هراس روحی را در دنیای مسیحی قرون میانه برانگیخت. وقتی که دانتیه در «کمدی الهی» خود، محمد (ص) را محکوم و تنها در خارج از بهشت می‌بیند، احساسات مسیحیان بی‌شماری از عصر خود را بیان می‌کند که نمی‌توانستند درک کنند چگونه پس از طلوع مسیحیت، دین دیگری می‌تواند در دنیا به ظهور برسد، آن هم دینی که - از همه بدتر! - در این دنیا فعال بود و از نظر سیاسی چنان موفق که پیروانش بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های مدیترانه را، که پیش از آن مسیحی بود، به تصرف خود درآوردند.» (همان، ۲)

نمونه‌ای از مصداق چنین تصادمی را در مواجهه با اسلام و پیامبر اسلام (ص) شاهدیم. پیگیری این جریان که هنوز به نهایت خود نرسیده و تاریخی به تقرب و تسامح به درازای عمر آشکارسازی و وحی الهی به محمد (ص) دارد، بسیار جالب توجه، آموزنده و عبرت‌انگیز است. البته، سیر آن همواره

غرب، جغرافیای ظهور و سقوط اضداد است. در تاریخ از برخورد ضدها با یکدیگر تاکنون سنتزهای خاص در عرصه‌های دین، دانش، فرهنگ، اقتصاد، سیاست و قدرت پدید آمده است، با نتایج محلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و جهانی که نه همه مثبت‌اند و نه همه منفی.

به یک حالت و همگن نبوده است. اوج و فرود و رکودهای بسیاری در طول چندین قرن دارد.

نکته حایز اهمیت در سیر برخورد غرب مسیحی با اسلام و مسلمانان که به طور اساسی ابتدا جنبه مجادله فکری به خود می‌گیرد و البته، در بستر زمان عینیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌یابد و به منازعه و برخوردهای خونین می‌کشد دارای نقطه کانونی است. آن نقطه را شخصیت محمد (ص) می‌سازد. بخش اصلی رویارویی غربی‌ها با اسلام، مواجهه سختی است که آنان با بنیانگزار اسلام، مخاطب وحی خداوند و خاتم الانبیاء دارند. در حقیقت بخش مهم، اساسی و اصلی برداشت آنها از اسلام، مسلمانان و قرآن به تصویر و انگاره ذهنی‌شان از محمد (ص) برمی‌گردد. این تصویر به این «سبب ذهنی» و نه واقعی و عینی است که اول با شخصیت محمد (ص) از طریق منابعی آشنا شده‌اند که حداقل دست اول نبوده است. دوم از محمد، ذهنی تصویری ساخته‌اند که جز فردی بدعت‌گذار در دین مسیح (ع) نیست.

سه دیگر در مقام مقایسه پیامبر اسلام با پیامبر مسیحیت از جهت‌هایی اختلاف اساسی مشاهده کرده‌اند؛ نفی اولویت حضرت مسیح و در نتیجه طرد اقامت ثلاثه و وارد ندانستن چنین اعتقادی که مسیح پسر خداست در مقابل محمد (ص) بنده خداست. جایگزین شدن دین محمد (ص) به جای دین مسیح (ع) و در نتیجه فسخ دین عیسوی و پیامدهایی که دارد. جایگاه بسیار برتر پیامبر اکرم (ص) در میان امتش نسبت به جایگاه عیسی مسیح در میان امتش

که هرگز قابل مقایسه نیست. نیز نباید از یاد برد که مسیحیان از ابتدا نتوانستند هضم کنند که چگونه محمد(ص) می‌تواند امور دنیوی و اخروی را در کنار هم و بهتر است گفته شود در طول یکدیگر دنبال کند، حال آن که طبق منابع موجود، مسیح مریم(ع)، پیروانش را در کار آخرت محصور سازد. علت‌هایی چنین بویژه که همواره با سوء تعبیر، دریافت نارسا، سوء تفاهم، تحریف و همراه با عناد و غرض ورزی بوده، مشکلات بسیاری را به وجود آورده و تاکنون نیز پایدار مانده است. شواهد تاریخی و مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که باید همچنان شاهد منازعات تازه تری بود. ماجرای کاریکاتورهای کذا در روزنامه «یولندز پوستین» دانمارک فقط یکی از جنجال‌سازترین حلقه جریان برخورد نادانان و دگماتیست‌ها در غرب با محمد(ص) است. اکنون باید سخنرانی پاپ بندیکت شانزدهم روز ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۶ م. در دانشگاه رگنزبورگ آلمان را بدان افزود که در نوع خود بسیار فراتر از آن کاریکاتورهاست. باید منتظر گل‌های پژمرده دیگری از این باغ پر از علف‌های هرز بود.

در این جغرافیای تاریخی که تاکنون، به تقریب، یک‌دست مانده، البته برخی علایم مخالف در میان کثرت فریادها و هیاهوی فراگیر مانند زمزمه‌ای شنیده شده است و در موضعی، شناگری رادیده‌ایم که شنا خلاف جریان تند آب‌های گل‌آلود را هدف گرفته است تا به ساحل روشنایی برای رویت مستقیم محیط برسد.

شیمیل کیست؟

«آنه ماری شیمیل» یکی از شناگرانی است که به تقریب می‌توان گفت، حتی در میان شناگران مخالف جریان مسلط، نیز خود را با صدا و نگاه استثنایی شناسانده است. گذشته از آثار متنوع وی درباره اسلام، مسلمانان و فرهنگ اسلامی، توجهی بوده که به «نقطه کانونی» مورد نظر مسیحیت غرب در میان مسلمانان یعنی محمد(ص) داشته است. گرچه وی در آثار مختلفی چنین توجهی را نشان داده ولی به دلیل محور نبودن شخصیت محمد(ص) در این آثار، امکان پرداختن گسترده بدان را نداشته است. شیمیل که مسیحی آلمانی است و دانشمندی شرق شناس بویژه اسلام شناسی نامدار به شمار می‌رود، مانند اکثر قریب به اتفاق به اصطلاح اسلام شناسان فقط از دور دستی بر آتش نداشته، بلکه علاوه بر دانستن زبان‌های عربی، ترکی، اردو و فارسی، سال‌ها در ترکیه و شبه قاره سکونت گزید و تدریس کرد و با نقاط مختلف جهان اسلام از نزدیک آشنا شد. مهمتر آن که وی به منابع اصلی مورد رجوع مسلمانان و در رأس آنها قرآن کریم و احادیث

نبوی به زبان اصلی دسترسی داشت و می‌توانست با زبان اصلی به مطالعه و تعمق در آنها پردازد. امتیاز دیگر خانم شیمیل نسبت به دیگر اسلام شناسان، حضور در میان مسلمانان کوچک و بازار و شرکت مکرر و باهدف ویژه در مراسم سوگ و سرورشان بود. لذا شیمیل از دو سرچشمه با دست و دل نوشیده است. هم در نوشته‌ها و به طور کلی دیدگاه‌های غریبان غور کرد و هم تا حد بسیار زیادی از آرای مسلمانان نخبه و جریان‌های فکری فلسفی و عرفانی و دینی در جهان اسلام و همه باورهای مردم عادی در بخش‌های وسیعی اطلاع داشت. به این سبب به نوع و چگونگی حساسیت غربی‌ها و مسلمانان نسبت به بنیانگزار اسلام، محمد بن عبدالله(ص) اشراف داشت و می‌دانست که شکاف

□ شیمیل در کتاب «محمد رسول

الله»(ص) نوشته است:

متداول‌ترین علت رنجشی که مسیحیان، بیشتر تا بحر دانه، در دل مسلمانان نشانده‌اند، آن بر می‌خیزد که مسیحیان مطلقاً نتوانند از درک حرمت بسیار و الاهی که مسلمانان برای شخص پیامبر خود قایلند (و این رای تیری است

راست بر هدف.

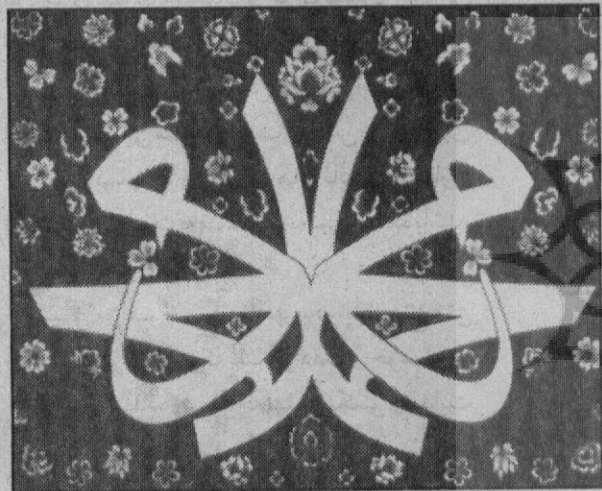
میان برخورد نادرست و در حدگینه‌ورزی از روی جهل و حسادت و سیاسی‌غربی‌ها از یک سو با عشق عمیق به شأن انسانی و فزاینده‌ی محمد(ص) در میان مسلمانان تمام اعصار از دیگر سو چقدر عمیق است.

شیمیل برای نشان دادن واقعیت اعتقادی خارجی این عشق و محبت در جان و دل و روح و دیده مسلمانان از تمام اقشار و صنوف و طبقات و انتقال مستند و آگاهی بخشی آن به همکیشان و به طور عام غربی‌ها، کتاب محققانه‌ای را با سرسختی و تلاش و کوشش فراوان به دو زبان آلمانی و انگلیسی تألیف و منتشر کرد که صورت بسط یافته مقاله‌ها و سخنرانی‌های وی است. به تعبیر دیگر می‌توان گفت: تألیف شیمیل، هشدار است به غربی‌ها، بویژه گروه‌های نخبه و مدعی شناخت اسلام، پیامبر اسلام و مسلمانان که اطلاعاتشان درباره محمد(ص) اشتباه و استنتاج از این اطلاعات سبب انحراف شده است. شیمیل همچنین خواسته

است محمد(ص) را نه به عنوان بدعت گذار در دین مسیح و نه پیامبری مخالف مسیح(ع) که وی را به عنوان «رسول الله» معرفی کند یعنی محمد(ص) فرستاده‌ای از سوی خداوندست و آخرین پیامبر راستین خداوند تبارک و تعالی و بنده خاص و برگزیده اش و علت و جاهد بی بدیل وی نزد مسلمانان در ورای تعلقات انسانی و روابط اجتماعی مرسوم منشأ دارد.

محمد رسول خدا

اصل کتاب شیمیل - «محمد رسول خدا» - به آلمانی در سال ۱۹۸۱ م منتشر شد. (پیشگفتار/سی و هشت) بعد آن را در حجم کمتر به انگلیسی آماده و در آمریکا چاپ و روانه بازار کرد. مترجم محترم متن انگلیسی کتاب را به فارسی برگردانید. چاپ اول دو سال پیش (۱۳۸۳) توسط «شرکت انتشارات علمی و فرهنگی» به دست مخاطبان رسید. تابستان



تصویر ص ۱۰۱

سال پیش چاپ دوم منتشر شد. [معرفی محتوای کتاب

کتاب در یازده فصل تدوین شده است. اما قبل از فصل‌های یازده گانه و بعد از آن نیز مقدمات و مؤخراتی دارد.

ابتدای کتاب، فهرست تصاویر آمده است (۱۹ مورد)، که تمام تصاویر ارتباط مستقیم با عنوان کتاب دارند.)

علاوه بر «کتابنامه مترجم» با ۹۹ عنوان، وی چهار صفحه را به «یادی از شادروان پرفسور آنه ماری شیمیل» اختصاص داده است. در این برگ‌ها، قلم مترجم، نوشتاری نوستالژیک را رقم می‌زند. و شرحی کوتاه است از آخرین دیدار مترجم با مؤلف در ایران، و قول‌هایی که برای دریافت برخی نوشته‌های مربوط به این کتاب، شیمیل به لاهوتی داده بود. اما قبل از رساندن «یادداشت‌های خود» (...) از مآخذی که در دسترس «سیزده» مترجم نبود، بار نویسنده به مقصد رسید و مرگ او را با خود به دنیای

دیگر منتقل کرد. (بهمن ماه ۱۳۸۲)

لاهووتی «در سخن مترجم» ضمن آوردن فشرده کتاب، برداشت خود را از مقاصد مؤلف برای تدوین چنین کتابی یادآوری می کند و نکاتی را درباره برگردان محتوای آن با مخاطبان فارسی زبان در میان می گذارد و به حق می نویسد: «به گمان من، استاد شimmel هم بر اثر ممارست در متون اسلامی و مؤانست و همدملی با مسلمانان، بویی از عشق برده است. یا لااقل ژرفا و شدت آن را در دل مسلمانان سنجیده است که برای نشان دادن مقام منحصر به فرد حضرت محمد(ص) نزد خداوند و خلق او به بیان آن در این کتاب پرداخته است.» (هجده) و در همان جا یادآور می شود: «و نباید از این اندیشه نیز غافل بود که پرفسور شimmel به سابقه دوستی با مسلمانان و آشنایی با اسلام و مسیحیت(هر دو)، در این روزگار، مسؤولیتی را بر دوش خود احساس می کند و آن عبارت است از ایجاد فضای همدملی و تفاهم بین شرق نشینان مسلمان و غرب نشینان مسیحی عالم. به همین سبب است که به روایت آلمانی این کتاب اکتفا نمی کند و ویرایش انگلیسی اش را هم در آمریکا منتشر می سازد تا نهایت کوشش خود را برای زدودن بدگمانی ها و برداشت های نادرست و ناروا از دل غریبان نسبت به مسلمانان به ثمر رسانده باشد»

ضمیمه های مؤخر

شimmel مؤلف خستگی ناپذیر، در پایان پنج متن را ضمیمه کرده است که نشانگر دقت و حوصله در کار برای مستندسازی هر چه بهتر از یکسو و هدایت خواننده به اصل منابع و فایده رساندن بیشتر به مخاطبان است. این ضمایم عبارتند از:

«یادداشت ها» برای هریک از فصل ها و مقدمه مؤلف به طور جداگانه. یادداشت ها اثبات می کند که مؤلف امانتداری را در حد نهایت رعایت کرده و برخی نکته های اضافی را هم به صورت موجز آورده است.

«نمایه» با تدوین الفبایی ضمیمه چهارم را می سازد و پس از آن «کتابنامه مؤلف» با شناسنامه کامل لاتین از صفحه ۵۲۵ تا ۵۵۱ را دربر گرفته است. اما قبل از این سه ضمیمه، صورت کامل علایم اختصاری به کار رفته در کتاب را شاهدیم. (۱۷ مورد). نکته جالب توجه آن که اولین ضمیمه کتاب که متأسفانه در فهرست نیامده، ۹۸ نام از «نام های شریف پیغمبر(ص) است با معانی هریک از نام های شریف (ر. ک. ۴۲۹-۴۳۴) وی اسامی رسول الله(ص) را از «روی نسخه ای از قرآن (چاپ لاهور: تاج کمپانی)» استخراج کرده و دو نام دیگر (عبده = محمد عبده و مطاع و کنیه ابوالقاسم) را افزوده است.

تلاش خالصانه مترجم

در همین جا باید از تلاش خالصانه و زحمت خداپسندانه مترجم محترم نیز یاد کرد؛ به دو سبب؛ اول؛ برمی آید که آقای حسن لاهوتی، ضمن حفظ امانت داری در برگردان نکته به نکته کتاب، از عهده رسایی برگردانیدن متن انگلیسی برای مخاطبان فارسی نیز به خوبی برآمده است. دوم؛ یادداشت های موجود در پای بسیاری از صفحه ها نیز نشانگر نهایت کوشش آقای لاهوتی برای هر چه پرفایده تر کردن کتاب همراه با فهم زودتر برخی مطالب و شناختن نام های خاص بوده است. آوردن متن کامل آیات کریمه و احادیث با نشانی های هریک که مؤلف محترم با اشاره ای از آنها گذشته و نیز ثبت اشعار به همین صورت، گذشته از این که تعهد حرفه ای است بلکه فراتر از آن نشاندهنده معرفت به مسؤولیت اعتقادی و ایمانی و ابراز اخلاص به زحمت مؤلف از یکسو و مهمتر از آن به حضرت رسول الله(ص) است. که باید به دیده منت

□ تألیف خانم شimmel، هشدار

است به غربی ها، به ویژه گروه های

نخبه و مدعی شناخت

اسلام، پیامبر اسلام و

مسلمانان که اطلاعاتشان

درباره محمد(ص) اشتباه و

استنتاج از این اطلاعات

سبب انحراف شده است.

وی محمد(ص) را نه به

عنوان بدعت گذار در دین

مسیح و نه پیامبری مخالف

مسیح(ع)، که «رسول الله» معرفی

می کند.

بدان نگریست.

نمی توان به این ابهام اشاره نکرد که آیا حرف(ص)

(نشانه صلوات بر محمد) در اصل نوشته و وجود دارد

یا مترجم به دنبال نام مبارک محمد(ص) افزوده اند؟

محتوای فصل ها

عنوان هر یک از ۱۲ فصل کتاب به ترتیب چنین است:

سیره و سرگذشت(۹-۳۶)، مقتدای نکو(۳۷-۹۸)،

یکتایی مقام محمد(ص)(۹۹-۱۲۴)،

قصه ها و معجزه ها(۱۲۵-۱۴۹)، محمد شفیع

قیامت و صلوات بر او(۱۵۲-۱۸۷)، نام های

پیغمبر(۱۸۹-۱۲۷)، نور محمد و مکتب

عرفان(۲۱۹-۲۵۲)، جشن میلاد پیغمبر(۲۵۳-

۲۷۵)، سیر شیانه و معراج پیغمبر(۲۷۷-۳۰۴)، نعت پیغمبر(۳۰۵-۳۷۰)، «طریقه محمدیه» و تفسیر تازه از زندگی پیغمبر(۳۷۱-۴۰۲) و محمد پیغمبر خدا در آثار محمد اقبال(۴۰۳-۴۲۷) توجه به یازده عنوان (مگر دوازدهم که بحث ویژگی اندیشه های یک فرد درباره محمد(ص) است). گویای دقت نظر مؤلف در انتخاب موضوع های اصلی مربوط به پیامبر اسلام(ص) در میان مسلمانان اعصار مختلف با عنایت به باورهای ماورایی است. در جوف هر فصل نیز موضوع های ریزتر و حتی حاشیه ای بدون چشم پوشی نیز لحاظ می شود.

شimmel ذیل هر عنوان، بحث و بررسی مبسوطی با فواید بسیار ارایه می کند که به تقریب شامل بیان سیر تاریخی و تحلیل مربوط به همان عنوان می شود. یکی از شاخص های کار وی در این کتاب، توجه جدی به اشعار در کنار مکتوب های منشور است. نکته ای که در ارتباط با شعر باید یادآوری کرد، تعلق خاطر وی در بخش هایی به اشعاری عامیانه در کنار آثار شاعران بزرگ است. منظور وی از توجه به این سروده ها، نشان دادن مدارک مستند برای شأن و مرتبت بی همتای محمد(ص) در میان تمام



تصویر آغاز تمام فصول کتاب (فتح- ۲۸ و ۲۹)

مسلمانان از عالم و عامی و در هر سرزمینی است و تأثیر مستقیمی که نام و گفتار و رفتار رسول الله(ص) بر حرف و عمل هر مسلمانی در زندگی فردی و اجتماعی می تواند داشته باشد.

آنه ماری شimmel البته از تذکر به نکات عجیب و باورهای افسانه مانند نیز نمی گذرد با برداشتی که بوی محبت از آن برمی خیزد؛ «تردید نباید داشت که پیرامون هسته مرکزی مطالب واقعی، افسانه های بی شماری تبلور یافته است اما محبوبیت الهی رهبر دینی راستین را از روی این افسانه ها بهتر می توان شناخت تا از روی واقعیات خشک دوران زندگی وی، چه، همیشه این احتمال وجود دارد که سیره نویس، آن واقعیات را موافق دیدگاه خود تفسیر کند.»(۱۰)

نمونه ای را بخوانیم: «این شاعران شیفته آنند که توصیفات خود را از ولادت پیغمبر به زیورهای

دلنشینی بیارایند که از محیط زندگی بومی خود گرفته‌اند- این کار شگفت‌آورتر از نمایش جشن میلاد مسیح در منظره زمستان شمال اروپا که ما در غرب به آن خو گرفته ایم نیست. از این رو، شاعری گجراتی، در قرن یازدهم هجری قمری، در شعر «مولود»ی که سروده است برهمنی را معرفی می‌کند که به هنگام تولد پیمبر (ص) حضور داشته و رشته مقدس زنار خود را دور گردن آن کودک نوزاد افکنده است.» (۲۷۳)

پرداختن حتی به برخی نکته‌های اساسی و مهم این کتاب نه ضرورت دارد و نه هدف این نوشتار را می‌سازد. اما یادآوری برخی نکته‌ها در ادامه مفید می‌نماید: در لابلای فصل‌های مختلف، شیمیل، به برخی شبهه‌های نویسندگان غربی یا بهتر گفته شود به فکر مسلط میان اهل غرب (مسیحیان) پاسخ می‌دهد. گرچه آن چه شیمیل می‌آورد بارها در میان مسلمانان و برخی از نویسندگان غربی تکرار شده است از جمله در باب توجه و تمایل پیامبر اسلام است به زنان، بویژه داشتن چند همسر (ر.ک ۸۴-۹۰) شیمیل انتقادهای غربیان در این زمینه را با «متهم دانستن بی اساس او» (۸۵) یعنی محمد (ص) می‌داند و آن را رد می‌کند: «آنان که بر سنت مسیحیت، معتقد به آرمان زاهدانه بی جفت زیستن دین عیسی مسیح و اصرار این آیین بر تک همسری پرورش یافته‌اند البته مشکل می‌پذیرند که پیغمبری در عمر خود همسر گرفته و نه همین که چند زن باشد.» (۸۵) سپس به برخی علت‌ها و فلسفه ازدواج‌های پیغمبر خدا (ص) می‌پردازد (ر.ک ۸۵-۹۰) شیمیل در باب درآمیختگی «دین و دولت» و به طور عام «دین و دنیا» نیز با در کنار هم قرار دادن دیدگاه مسیحیت در کنار دیدگاه اسلام، رأی خود را صادر می‌کند و اعتقاد و استدلال مسلمانان را در برابر استدلال مسیحیان می‌آورد و به دلالت اهل اسلام رجحان می‌دهد. (ر.ک ۹۰-۹۵)

در فصل معراج پیامبر ضمن بحث تاریخی و تطبیقی عروج در اسلام و برخی باورهای دیگر، معتقد بر تأثیر معراج بر «کمدی الهی» دانته است خلاف رأیی که معتقدند، اندیشه معراج اسلامی بر کار دانته، بی تأثیر بوده زیرا اطلاعاتی از آن نداشته است (مقدمه فارسی ترجمه کمدی الهی، فریده مهدوی دامغانی):

«واقعیت آن است که چندین دهه قبل (۱۹۱۹ م.)، میگل آسین پالاسیوس تأثیرات محتمل اسلام از ناحیه داستان‌های معراج را بر مشاهدات دانته کشف کرد» و در ادامه قاطع و آمیخته با تأسف و سرزنش نتیجه می‌گیرد «اما چه مسخره می‌نماید که قهرمان معراج راستین، محمد (ص) پیامبر اسلام را دانته در میان منافقان در پایین‌ترین



تصویر ص ۱۱۴



تصویر ص ۲۱۵

طبقه دوزخ قرار دهد.» (۳۰۳)

پرداختن به جنبه‌های مختلف و ارزشمند این کتاب شیمیل، بسیار طولانی خواهد شد اما قبل از یادآوری برخی نکات فراموش شده در کار وی، باید به قلم روان و همه فهم و روشن اش آفرین گفت البته در جهان اسلام. شیوایی نگارش شیمیل را ذهن تحلیلی و تطبیق گرای وی به دلیل اشراف به منابع وسیع و تفکر متفکران و عالمان و عارفان مسلمان دو چندان می‌کند. اما باید درست باشد که این گونه نوشتن برای مخاطبان غیر مسلمان، مطالعه کنندگان آن را محدود به طیف‌های دانشگاهی و اهل پژوهش و آشنایان خاص با اندیشه‌های اسلامی و مسلمانان می‌کند. از تحسین مؤلف به دلیل انتخاب بسیار شایسته و مفهوم عمیق نام کتاب نباید گذشت «محمد رسول خدا». گویی فردی برای اعلام قاطع مسلمانی خویش بر «پیامبر خدا بودن» «محمد (ص)» در جمع انبوهی از مخالفان و معاندان تأکید می‌ورزد.

فروگذاری‌ها

آن چه در تألیف خانم دانشمندانه ماری شیمیل، تعجب برانگیز است، عدم توجه وی به آداب و رسوم عرفی و اعتقادی مسلمانان ایرانی به محمد (ص) است. در حقیقت می‌توان نتیجه گرفت اگر نام‌های مولوی و عطار و جامی و سنایی و چند تن دیگر از شاعران و برخی مؤلفان در تاریخ ایران نبودند، در کل باید نام مسلمانان ایران را در آن محذوف دانست.

(چه گذشتگان، چه معاصران).

در کنار این نارسایی عجیب، حضور شیعه و دانشمندان شیعه نیز بسیار ناچیز است و حتی به راحتی می‌توان نادیده گرفت. نقص چشمگیر در این موضوع تا آن حد است که مترجم محترم نیز در یادداشت شماره (۱) پانویشت (۳۴۰) بناچار یادآور می‌شود. البته با تذکر دیگر مترجم در ادامه همین پانویشت می‌توان موافق بود «... و به نظر حقیر، علت آن را باید در عدم ارتباط مراکز علمی تشیع با دانشمندان اسلام شناس جست‌وجو کرد.» باید با دید منصفانه به نوشته مترجم اضافه کرد؛ توجه عظیمی که در میان مسلمانان اهل سنت بویژه به جشن میلاد و بعثت محمد بن عبدالله (ص) می‌شود، در میان شیعه بسیار کم‌رنگ است و این نقص را باید رفع و به جبران آن پرداخت. دلیل دیگر هم دارد؛ در کدام کتاب متفنن، آداب و رسوم و اشعار قابل قبول رایج در میان مردم عادی شیعه آمده است تا قابل عرضه به دیگران باشد یا بتواند محل رجوع صاحبان ذوق و اسلام شناسانی مانند شیمیل گردد؟ برخی کاستی‌های موجود درباره شیعه نیز قابل یادآوری است که نشانگر کمبود اطلاعات درباره تاریخ شیعه نزد مؤلف محترم است از جمله می‌نویسد: «حسن (ع) پسر ارشد علی (ع) از فاطمه زهرا (ص) بر اثر فشار نخستین خلیفه اموی، معاویه از حق خود چشم پوشید.» (۳۰) بدون توجه به این موضوع که صلح امام حسن (ع) با معاویه سبب تثبیت جایگاه امامت و پرده‌داری از رفتار مزورانه امویان نزد مسلمانان شده است. یکبار رجوع به مفاد پیمان صلح امام حسین (ع) با معاویه بسیار راهگشا خواهد بود.

یا با اشاره به جایگاه والای «سید» در میان مسلمانان، این جمله را می‌آورد که سیدها «خاصه فرزندان حسین (ع) هنوز هم از اعتبار بسیار برخوردارند؛ مگر می‌شود دختر سیدی با غیر سید ازدواج کند؟» (۳۲) باز هم مترجم توضیح لازم در خلاف این استنتاج ذیل همین صفحه می‌آورد. با توجه به عنوان فصل آخر کتاب «محمد پیمبر خدا در آثار محمد اقبال»، این نوشته را به احترام شیمیل و محمد اقبال لاهوری با این بیت از اقبال می‌بندیم که سخن دل همه ماست حتی شیمیل که کتابش را با این بیت بسته است:

عشق او (محمد) سرمایه جمعیت است

همچون خون اندر عروق ملت است

همان طور که با این شعر از «سرکشن پرساد شاد»، نخست وزیر هندوی ایالت حیدرآباد آغاز کرد:

کافر یا مؤمنم، تنها خدا داند چه هستم

لیک دانم، بنده آنم که سلطان مدینه است (۴۲۷)